

تحقیق آموزش و پرورش حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی دوره‌ی آموزش عمومی

راضیه ظهروند*

چکیده

نهاد آموزش در هر جامعه‌ای مسوول ایجاد امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی برای همه افراد کشور فارغ از جنس، نژاد، طبقه و قومیت است. وجود فاصله‌های جنسیتی در دسترسی و بهره‌مندی از آموزش، بیانگر آن است که بخشی از افراد علی‌رغم گسترش آموزش در کشورها، همچنان از نابرابری در دسترسی به امکانات و منابع آموزشی رنج می‌برند. نظام آموزشی حساس به جنسیت می‌تواند تضمینی برای دسترسی برابر دختران و پسران به آموزش و مشارکت کامل آنان در برنامه‌های توسعه‌ای کشورها باشد. مقاله حاضر ضمن شناسایی ویژگی‌های نظام‌های آموزشی حساس به جنسیت، با استفاده از پژوهش انجام شده بخشی

* مدیر گروه پژوهشی مطالعات زنان در آموزش و پرورش پژوهشکده تعلیم و تربیت

از فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی در دوره آموزشی عمومی را با رویکرد جنسیتی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. نتایج بررسی فوق نشان می‌دهد که نه تنها در فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف، اولویت‌ها، موارد مشخصی در زمینه دستیابی به برابری فرصت و رفع نابرابری‌های معطوف به جنسیت وجود ندارد، بلکه در برخی موارد کلیشه‌های جنسیتی نیز مشاهده می‌شود. ناکافی بودن شاخص‌های جنسیتی نیز موجب ناستوانی فرایند برنامه‌ریزی آموزشی در شناسایی فاصله‌های جنسیتی در بهره‌مندی از آموزش شده است.

کلید واژه‌ها: آموزش و پرورش حساس به جنسیت؛ فاصله جنسیتی؛ شاخص‌های جنسیتی؛ کلیشه‌های جنسیتی؛ برنامه‌ریزی آموزشی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

توسعه به معنای ارتقای مستمر جامعه و نظام به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر تعریف شده است. استیگلیتز^۱ (۱۳۸۰) برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ با استفاده از عبارت توسعه همه جانبه، توسعه را یک فرایند انتقال از روابط سنتی، روش‌های سنتی تفکر و روش‌های سنتی اقدام در زمینه بهداشت، آموزش و تولید به روش‌های مدرن می‌داند.

از اصول توسعه آن است که شرایط توسعه برای همه افراد فارغ از جنس طبقه، نژاد و قومیت به طور برابر فراهم آید، از این رو، وجود تبعیض‌های گوناگون بین زنان و مردان در موارد متعدد منجر به طرح بحث جنسیت و توسعه شده است، چنانچه امروز شاخص توسعه جنسیتی^۲ از شاخص‌های مهم در توسعه یافتگی هر کشوری به شمار می‌رود.

در واقع هدف بررسی توسعه جنسیتی در هر کشوری اصلاح ساختارهای اجتماعی و سپردن نقش‌ها و مسوولیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به زنان و مردان است. لذا برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای باید به مشارکت زنان در توسعه به عنوان کسانی که قبلاً کمتر در برنامه‌های توسعه کشورها مشارکت کرده و از مواهب آن نیز کمتر بهره‌مند شده‌اند، اهمیت خاصی قائل شد.

حضور زنان در فرایند توسعه در راستای نظریه برابری مطرح می‌شود. نظریه برابری به عنوان یکی کردن مفهوم توسعه و تساوی شناخته شده است و توجه اولیه آن معطوف به عدم تساوی بین مرد و زن در حیطه زندگی فردی، اجتماعی و بین گروه‌های اجتماعی و اقتصادی است (نقش زنان در توسعه، ۹۸:۳۱۷۲). فرض مهم در نظریه‌های برابری، این است که نابرابری‌های موجود در بین زنان و مردان در تقسیم منابع و منافع به این دلیل نیست که آنان

1- Stiglitz

2- Gender Development Indicator

تفاوت‌های طبیعی مهمی دارند، بلکه زنان در موقعیت‌های نابرابری قرار گرفته و سازمان جامعه در این نابرابری نقش اساسی دارد، لذا دگرگون ساختن موقعیت‌های زنان امکان‌پذیر است (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۴). بدین ترتیب با اتخاذ رویکرد برابری، در فرایند تقسیم دوباره منابع و منافع، برنامه‌ها باید طوری تنظیم و تدوین شود که محرومیت‌های زنان جبران شود. یعنی منابع و منافع برای زنان در هر طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی افزایش یابد.

به منظور نیل به برابری در فرایند توسعه لازم است تا عوامل ایجاد نابرابری شناسایی شده و برنامه‌ها به گونه‌ای تنظیم شده تا موانع دسترسی و بهره‌مندی برابر زنان و مردان به فرصت‌ها و امکانات برطرف گردد. وارد کردن مسأله جنسیت به صورت منظم در برنامه‌های دولت امکان دسترسی و بهره‌مندی برابر و مشارکت کامل زنان در توسعه و سازماندگی ملی را میسر می‌سازد.

رابطه آموزش و توسعه

برنامه‌های پاسخ به جنسیت^۱ در واقع مأموریت وارد کردن مسأله جنسیت را در برنامه‌ها به عهده دارند. برنامه‌های پاسخ به جنسیت عبارتند از: برنامه‌ها یا پروژه‌هایی که به طور منظم به طرح مسایل جنسیت می‌پردازند و تحلیل جنسیتی عنصر اصلی در این برنامه‌ها است. تحلیل جنسیتی موجب می‌شود تا نقش، پایگاه و مسؤولیت اجتماعی زنان و مردان و همچنین دسترسی و کنترل آنان بر منابع، منافع و فرصت‌ها مشخص شود (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵: ۲۲).

از سوی دیگری رابطه‌ی آموزش و توسعه یافتگی غیر قابل انکار است. شواهد جهانی حاکی از آن است که آموزش در نوین‌سازی عرصه‌های رفتاری، نگرشی، برنامه‌ای، روش و بهبود کیفیت زندگی انسانی نقش مهمی را ایفاء

می‌کند (سאהا، ۱۳۸۰). آموزش همچنین از طریق خلق فرصت‌های اجتماعی به فرایند توسعه سرعت بیشتری می‌دهد. (سن، ۱۳۸۱: ۶۱).

آموزش و پرورش از طریق ایفای نقش^۱ در بازدهی سرمایه انسانی، نوین‌سازی نگرش‌ها، ملت‌سازی، بهبود جامعه‌پذیری افراد، افزایش مشارکت و اداره امور و افزایش کیفیت زندگی، فرایند توسعه را در کشورها تسهیل می‌کند. نهاد آموزش و پرورش همچنین در هر کشور مسؤول ایجاد امکانات و فرصت‌های برابر آموزشی برای همه شهروندان است. اگر مدرسه و آموزش و پرورش، خود فرصت‌های برابر انسان‌ها را از بین ببرد ضد توسعه تلقی می‌شود (عظیمی، ۱۳۷۸).

کار پایه عمل کنفرانس جهانی زن، پکن ۱۹۹۵ (کار پایه و اعلامیه پکن، ۱۳۷۵: ۵۶) با بررسی وضعیت آموزش زنان در کشورهای مختلف و وجود نابرابری‌ها و فاصله‌های جنسیتی در دسترسی به آموزش، ایجاد یک نظام آموزشی حساس به جنسیت^۱ را تضمینی در جهت دسترسی به فرصت‌های برابر آموزش و پرورش، مشارکت برابر و کامل زنان و مردان در اداره‌ها سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری آموزشی به شمار آورد. در آموزش و پرورش حساس به جنسیت باید این اطمینان وجود داشته باشد که زن و مرد بودن اصولاً جنسیت موجب دسترسی یا عدم دسترسی به امکانات و منابع آموزشی نمی‌شود. محور اساسی در آموزش و پرورش حساس به جنسیت، دستیابی برابر دختران و پسران به فرصت‌ها، منابع و امکانات آموزشی در ابعاد مختلف است.

در نظام‌های آموزشی حساس به جنسیت همچون برنامه‌های پاسخ به جنسیت، متغیر جنسیت به طور منظم وارد برنامه‌ریزی آموزشی می‌شود، با

اتخاذ رویکرد جنسیتی و تحلیل جنسیتی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی از قبیل پیش از برنامه‌ریزی، مرحله تدوین، اجرا، نظارت، ارزشیابی، اصلاح و بازنگری، برنامه تلاش می‌شود برنامه‌های آموزش و پرورش نه تنها تضمین‌کننده برابری فرصت‌های آموزشی برای دختران و پسران باشند، بلکه به رفع فاصله‌های جنسیتی و محرومیت‌های موجود دختران و پسران نیز منجر شوند.

مرحله پیش از برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی حساس به جنسیت بسیار اهمیت دارد. در این مرحله با لحاظ کردن شاخص‌های جنسیتی در سیستم‌های پژوهش، اطلاعات و آمار نه تنها امکان دستیابی به اطلاعات کافی در خصوص شکاف‌های جنسیتی موجود فراهم شده، بلکه علل نابرابری نیز تا حدودی مشخص می‌گردد. در واقع یکی از راه‌های حساس کردن برنامه‌ریزی نسبت به جنسیت، جمع‌آوری منظم اطلاعات مبتنی بر جنسیت است. در این راستا به عنوان نمونه وزارت «فرصت‌های برابر» در کشور ایتالیا طرحی را تهیه کرده است که در آن، مدنظر گرفتن متغیر جنس در تمام مراحل آمارگیری و جمع‌آوری اطلاعات در مطالعات تأکید می‌کند، این موضوع رشد شاخص‌های جنسیتی را موجب می‌شود (وزارت فرصت‌های برابر ایتالیا، ۲۰۰۲)

از سوی دیگر تجزیه و تحلیل نقش‌ها و نیازهای زنان و مردان از جمله دلایل مبنایی برای برنامه‌ریزی جنسیتی است (معروفی، ۱۳۷۳). وجود شاخص‌های جنسیتی، می‌تواند ابزار مناسبی برای شناخت نیازها و اطلاعات مربوط به جنسیت باشد. باید به این نکته توجه داشت که در برنامه‌ریزی نباید به نقش‌ها و نیازهای کنونی زنان اکتفا کرد، زیرا چه بسا نقش‌های موجود توانایی‌های فکری آنان را تحت الشعاع قرار دهد. در برنامه‌ریزی باید دو نوع نیازهای عملی و استراتژیک زنان را شناخت. نیازهای عملی جنسیت اولویت‌های موجود را در تقسیم منابع و مسئولیت‌ها مشخص می‌نماید، ولی

منافع استراتژیک ایجاد می‌کند که این اولویت‌ها را به شکلی تأمین نماید که زنان را توانمند ساخته و به استقلال آنان بیفزاید (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵).

پژوهش‌های ناظر به جنسیت می‌تواند در تجزیه و تحلیل نقش‌ها و نیازهای زنان مفید واقع شود. اجرای پژوهش‌های ناظر بر جنسیت در واقع مطالعه وقایع، شرایط و آمار با هدف تجزیه و تحلیل نقش جنسیت در ایجاد و بقای یک پدیده خاص اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روش توجه به آن مسأله در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت است.

در مرحله پیش از برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش حساس به جنسیت، شناخت شرایط و اقتضائات فرهنگی و اجتماعی نیز اهمیت خاصی دارد. شرایط و اقتضائات فرهنگی گاه در بخش نگرش‌ها و گاه در بخش ساختار و محتوا، محرومیت‌های مضاعفی را بر دختران تحمیل می‌کند. شناخت واقعی شرایط فرهنگی، اجتماعی در اصلاح نگرش‌های سنتی و رایج برنامه‌های منعطف با شرایط دختران، نقش اساسی دارد. هلک (۱۳۷۱) تهیه برنامه‌های آموزشی برای دختران و زنان را زمانی مؤثر می‌داند که راهبردهای اتخاذ شده عوامل فرهنگی، اقتصادی و تابعی را به عنوان عوامل نظام یافته مدنظر قرار داده و این برنامه‌ها برای یافتن پاسخ‌های جدیدی برای مسأله آموزش دختران طراحی شوند.

شاخص‌های جنسیتی در نظام اطلاعات و آمار آموزش و پرورش، نیازهای عملی و استراتژیک زنان و عوامل اجتماعی - اقتصادی تأثیرگذار بر آموزش دختران باید قبل از شروع هر برنامه‌ریزی مشخص شده باشند.

هدف برنامه‌ریزی نظام‌های آموزش و پرورش، تدوین و تبیین اهداف به صورت روشن و طراحی یک نظام آموزش و پرورش کارآمد و اثربخش برای تحقق این اهداف است (دیویس ۱۳۸۲: ۲۱۹)، لذا ملاحظات جنسیتی در تدوین برنامه‌ها در نظام‌های حساس به جنسیت به دلیل اثربخشی بیشتر برنامه‌ها

اهمیت دارد. در همه‌ی فعالیت‌های مربوط به مرحله تدوین و طراحی برنامه از قبیل انتخاب اهداف، خط‌مشی‌ها (استراتژی‌ها)، تعیین اولویت‌ها و تهیه و تدوین برنامه و تصویب آن تلاش می‌شود تا برنامه به برابری فرصت‌ها برای دختران و پسران و رفع محرومیت‌ها و شکاف‌های جنسیتی منجر شود.

هلک، (۱۳۷۱) معتقد است، ضروری است در بخش اولویت‌های برنامه ریزی آموزشی انتقال اولویت به سمت کسانی باشد که در گذشته به دلیل فقر، بومی بودن، مذهب و زبان جزو محرومان بوده‌اند. تغییر جهت به سوی تأکید بیشتر بر آموزش زنان و دختران باید یکی از اولویت‌های سیاسی آموزشی باشد، نه فقط بر پایه اصول علم اخلاق، بلکه به واسطه نقش اساسی و شناخته شده برای زنان در دانش، مهارت‌ها، آموزش کودکان، تعذیه، بهداشت، کشاوری، صنایع دستی و...

از آنجا که اهمیت برنامه ریزی جنسیتی در تواناسازی زنان برای دستیابی به عدالت و برابری با مردان است (شادی طلب ۱۳۸۱: ۱۹۷)، در نظام‌های آموزشی حساس به جنسیت اهدافی برای دستیابی به فرصت‌های برابر جنسیتی و توانمندسازی زنان وجود دارد. به عنوان نمونه آموزش و پرورش کشور کانادا چهار هدف کلی را برای آموزش خود در نظر گرفته است، که یکی از آن‌ها دستیابی به فرصت‌های برابر آموزشی است (یونسکو، ۱۹۹۷). همچنین استراتژی و راهکارهایی که برای ارتقاء و بهبود وضعیت آموزش دختران در جریان برنامه ریزی آموزشی در نظر گرفته می‌شود، باید مبتنی بر این مسأله مهم باشد، گروه دختران یک گروه یکدست و همگون نیست، به عنوان مثال نیازها و شرایط آموزشی آموزش دختران شهری و روستایی یکسان نیست.

از سوی دیگر اگرچه در برخی از برنامه‌ریزی‌های آموزشی ملاحظات جنسیتی در نظر گرفته می‌شود، اما در مراحل اجرایی به دلایل متعدد یک گروه بیشتر مورد توجه قرار گرفته و یا ممکن است برنامه‌های یکسان آموزشی،

نتایج برابر را برای دو گروه جنسیتی نداشته باشند. لذا در برنامه‌های آموزشی حساس به جنسیت، پیامدهای برنامه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. وال‌پل، (۱۹۹۵) در این رابطه معتقد است که باید یک کنترل و تحلیل مداوم بر روی نتایج برنامه‌های پاسخ به جنسیت انجام گیرد تا بدین وسیله، تصمیم‌گیری بهینه برای بهبود و اصلاح سیستم انجام گرفته و جریان تخصیص منابع به بخش‌ها، به بهترین حالت ممکن برسد.

سن، (۱۳۸۱) نیز در زمینه اولویت تخصیص منابع در امر تدوین برنامه‌ها معتقد است که سیاست‌های دولت می‌تواند بر کارایی نظام آموزشی و رفع نابرابری‌ها و از آن جمله، نابرابری‌های جنسیتی مؤثر واقع شود. دولت در این راستا می‌تواند کمک‌های ویژه‌ای را در اختیار مؤسساتی قرار دهد تا از دختران در رشته‌های غیر متداول نام‌نویسی کنند و یا به داوطلبان کمک هزینه تحصیلی اضافی اعطا نماید. دولت می‌تواند، و از این قدرت برخوردار است که منابع را به سوی این گروه‌های هدف تغییر جهت دهد.

چارچوب عمل داکار: آموزش برای همه (۲۰۰۰)، نیز برای از بین رفتن تبعیض جنسیتی در آموزش و پرورش تأکید می‌کند، سیاست‌ها و اجرای آن‌ها در نظام آموزشی باید با حمایت از یادگیری دختران و پسران همراه باشد. دستگاه‌های تدریس و نظارت باید به نحو منصفانه عمل کنند و قواعد و مقررات از جمله، اقدامات ترویجی و انضباطی باید اثر مساوی بر دختران، پسران، زنان و مردان داشته باشد.

به طور کلی در نظام‌های آموزشی حساس به جنسیت در طی فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی با مکانیزم‌های مختلف تلاش می‌شود ضمن شناسایی نابرابری‌های جنسیتی، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی برای رفع این نابرابری‌ها اتخاذ گردد تا در نتیجه دختران و پسران بتوانند از مزایای آموزش به طور مناسب بهره‌مند شوند. تحقق نظام آموزشی حساس به جنسیت در دوره

آموزش عمومی به دلیل گذراندن دوره آموزش عمومی برای کلیه آحاد ملت (طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷)، اولویت دارد.

بررسی نظام آموزشی ایران (مهران، ۱۳۷۵؛ حج فروش، ۱۳۷۴؛ صدیق سروستانی، ۱۳۷۷، ۱۳۷۵؛ گزارش دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱) بیانگر وجود فاصله‌های جنسیتی در دسترسی و بهره‌مندی از آموزش است. به نظر می‌رسد وجود نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و پرورش ایران ناشی از نبود یک نظام حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی آموزشی باشد.

پژوهش حاضر در راستای بند الف ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه کشور، بخشی از برنامه‌ریزی آموزشی در دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) را با رویکرد جنسیتی مورد بررسی قرار می‌دهد. قابل ذکر است این بررسی به بخشی از طرح پژوهشی است که به سفارش مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری در معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران گروه علوم تربیتی توسط نگارنده و همکاران انجام شده است.

روش

برنامه‌ریزی آموزشی حساس به جنسیت سعی در کاهش نابرابری‌های جنسیتی داشته، آموزش مناسب را در دسترس دختران و پسران قرار می‌دهد. برای مشخص کردن ویژگی‌های برنامه‌ریزی آموزشی در ایران قوانین، اهداف، آئین‌نامه‌ها، مقررات و شیوه‌نامه‌های مرتبط با آموزش عمومی (دوره ابتدایی و راهنمایی) مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. با توجه به این امر که پژوهش زیربنای برنامه‌ریزی را می‌سازد، اولویت‌ها و طرح‌های پژوهشی مصوب وزارت آموزش و پرورش در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ نیز مورد بررسی قرار گرفتند تا حساسیت جنسیتی موجود در آنان نیز مشخص گردد.

قانون اساسی و قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است.

هدف پژوهش عبارت است از شناسایی میزان و نحوه پرداختن به مسایل معطوف به جنسیت در اهداف عمومی و اختصاصی دوره‌های ابتدایی و راهنمایی، آئین‌نامه‌ها، مقررات و شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و مصوبات موجود در حوزه آموزش عمومی.

واحدهای تحلیل عبارتند از:

- قانون اساسی اصول بیست، بیست و یک و سی
- قانون برنامه سوم توسعه کشور فصول آموزش، فرهنگ، هنر، ارتباط جمعی و تربیت بدنی
- قانون وظایف و اهداف آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی

- هدف‌های آموزش و پرورش ایران در سه محور

هدف‌های کلی مصوب سال ۱۳۷۷

اهداف دوره ابتدایی مصوب سال ۱۳۷۹

اهداف دوره راهنمایی مصوب سال ۱۳۷۹

- آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های آموزشی

- خط مشی‌های اساسی و سیاست‌های اجرایی بودجه سال ۱۳۸۰ وزارت

آموزش و پرورش

- شاخص‌های مدون آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۸۰

- اولویت‌ها و طرح‌های پژوهشی مصوب وزارت آموزش و پرورش

واحدهای شمارش عبارتند از وجود عبارات دختر، پسر، زن، مرد، برابری فرصت‌ها، رفع محرومیت‌های دختران، نابرابری جنسیتی در متن قوانین و برنامه‌ها و مقررات تدوین شده در نظام آموزشی ایران که بیانگر وجود رویکرد

جنسیتی در تدوین آن‌ها می‌باشد. هر یک از واحدهای تحلیل مورد بررسی قرار گرفت و عبارات فوق در آنان شمارش و فراوانی آنان ثبت شد.

یافته‌ها:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق برابری زن و مرد را برای آموزش و پرورش، آموزش عالی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، کسب حرفه و شغل مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. در اصل بیست و یکم نیز حقوق زنان در پنج مورد به طور اختصاصی ملنند ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن، رعایت حقوق مادی و معنوی وی، حمایت از مادران، مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین در اصل سی‌ام قانون اساسی آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه برای همه مردم اعم از زن و مرد مورد توجه قرار گرفته و دولت موظف شده است تا وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان برای همگان، گسترش دهد.

بررسی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با رویکرد جنسیتی نیز نشان می‌دهد که، قانون برنامه سوم در فصول آموزش و فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی از ۸ ماه که جمعاً دارای ۱۷ تبصره می‌باشد، ۱۲ مورد به صورت عام (بدون ذکر نام زنان، مردان) مطرح شده و از ۵ مورد باقی‌مانده نیز ۴ مورد به طور اختصاصی برای زنان و یک مورد آن هر دو گروه زن و مرد به طور جداگانه، مورد توجه قرار گرفته است.

تبصره سوم ماده ۱۴۳ فصل آموزش (فصل ۲۰) برنامه سوم توسعه تنها موردی است که دو گروه جنسیتی به تفکیک مورد توجه قرار گرفته است. این تبصره به مسأله ایاب و ذهاب دانش‌آموزان دختر و پسر در روستاهای کوچک

فاقد مدرسه راهنمایی و متوسطه در روستاهای دارای مدرسه از لحاظ تأمین هزینه‌های مربوط به رفت و آمد آنان اشاره کرده است.

چهار تبصره‌ی اختصاصی مربوط به زنان به طور کلی در ماده ۱۵۸ برنامه سوم توسعه (فصل ۲۱) مطرح شده است. در ماده ۱۵۸، مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، موظف شده است به منظور زمینه‌سازی لازم برای ایفای نقش مناسب، در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده از طریق انجام مطالعات مورد نیاز با همکاری دستگاههای اجرایی ذیربط، اقداماتی ذیل موارد الف تا د را انجام دهد.

به طور کلی در قانون برنامه سوم در حوزه‌های آموزشی، فرهنگ، هنر، ارتباط جمعی و تربیت بدنی تنها در دو ماده رویکرد جنسیتی مشاهده شده است در ماده ۱۴۳ با رویکرد برابری در دسترسی به امکانات رفاهی و در ماده ۱۵۸ رویکرد رفع تبعیض جنسیتی با توجه ویژه به زنان و نیازهای آنان در جهت کم کردن فاصله‌های موجود بین امکانات و امور مربوط به زنان، و توانمندتر ساختن آنان مورد نظر بوده است.

قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش (۱۳۶۷) نیز شامل چهار فصل و ۱۰ ماده است که مصوب مجلس شورای اسلامی است. این قانون حیطه‌های کلی و اهداف و وظایف دستگاه تعلیم و تربیت کشور را مشخص و تعیین کرده است. در بررسی قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مورد خاصی که حاکی از توجه خاص به دختران و پسران و برابری فرصت‌های آموزشی باشد ملاحظه نگردید، اما در ماده ۵ و ۶ فصل سوم به کلمه جنس اشاره شده است. در ماده ۵ از فصل سوم آمده است: برخورداری از آموزش عمومی برای کلیه دانش‌آموزان کشور باید به گونه‌ای باشد که برحسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب، جهت شکوفایی خلاقیت‌ها بهره‌مند شوند. در ماده ۶ از همین فصل نیز چنین آمده است: آموزش‌های نظری به نحوی برنامه‌ریزی

و اجرا شود که دانش‌آموزان ضمن مهارت به کارهای عملی و تجربی متناسب با سن، جنس و رشته‌های تحصیلی آن‌ها با رعایت اولویت‌ها و منطقه‌ای و شرایط مربی، حداقل یک مهارت مورد نیاز جامعه را کسب نمایند.

هدف‌های آموزش و پرورش جمهوری اسلامی (مصوب سال ۱۳۷۷)

ایران نیز، سه محور کلی آموزش و پرورش، اهداف کلی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی بررسی شد. اهداف کلی آموزش و پرورش در هشت محور اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی (مجموعاً ۵۶ مورد) مطرح شده است که هیچ مورد جهت‌گیری جنسیتی، مشاهده نشد. به عبارت دیگر اهداف بدون در نظر گرفتن مسایل جنسیتی مطرح شده است و در هیچ یک از موارد حتی به کلمه برابری فرصت‌ها نیز اشاره نشده است.

در محور اهداف کلی دوره ابتدایی در ابعاد هشت‌گانه اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی و هنری، اجتماعی، زیستی و اقتصادی (جمعاً ۵۹ مورد)، ۲ مورد از موارد ۱۷ گانه، اهداف اعتقادی، هدف‌هایی در ارتباط با دختران مطرح شده است و در ۹۳ مورد، اهداف بدون ذکر جنسیت و به طور عام مدنظر قرار گرفته است. در موارد ۱۰ و ۱۲ اهداف اعتقادی، در مورد نمازهای واجب و مسایل مربوط به تکلیف و تقلید برای دانش‌آموزان دختر به دلیل بلوغ شرعی زودتر در مقایسه با پسران اشاره شده است.

در اهداف دوره راهنمایی از مجموع ۱۰۵ مورد تنها در دو مورد که یک مورد از آن مربوط به اهداف اخلاقی (مورد ۴) و دیگری مربوط به بعد اجتماعی (مورد ۱۴) رویکرد جنسیتی مشاهده می‌شود.

در هدف ۴ اهداف اخلاقی یکی از اهداف آموزش و پرورش «تربیت دخترتری عفیف» و «پسری شجاع» در نظر گرفته شده است.

در هدف ۱۴ اهداف اجتماعی نیز توجه به نقش زن و مرد در خانواده و اجتماع مورد تأکید قرار گرفته است.

آیین‌نامه‌های آموزشی، دوره آموزشی عمومی نیز با رویکرد جنسیتی (وجود عبارت دختر و پسر، زن یا مرد، برابری فرصت‌ها، نابرابری جنسیتی و...) بررسی شد.

آیین‌نامه‌ها عبارتند از مجموعه دستورالعمل‌های اجرایی که در رابطه با مسایل مختلف از قبیل اداره‌ی مدارس، ارزش‌یابی تحصیلی، برنامه‌های اجرایی و... به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است. در زمان بررسی (تا سال ۱۳۸۱) بیش از یک‌صد آیین‌نامه در این رابطه موجود بوده که تنها موارد مربوط به آموزش و پرورش عمومی، مورد نظر قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: بررسی آیین‌نامه‌های آموزشی با رویکرد جنسیتی

شماره	عنوان	تعداد مواد هر آیین‌نامه	دارای جهت‌گیری جنسیتی		به صورت عام
			دختر	پسر	
۱	فعالیت‌های تابستانی دانش‌آموزان	۵	—	—	۵
۲	نحوه ارائه خدمات فوق‌برنامه در مدارس دولتی	۱۱	۱	۱	۹
۳	نحوه تدریس درس تربیت بدنی	۳	—	—	۳
۴	رسیدگی به مشکلات پرونده تحصیلی دانش‌آموزان	۸	—	—	۸
۵	مجوز شرکت بزرگسالان در امتحانات راهنمایی	۷	—	—	۷
۶	ارزش‌یابی درس تربیت بدنی	۹	۱	—	۸
۷	اجرای درس آموزش آمادگی دفاعی	۳	—	—	۳
۸	نحوه اجرا و ارزش‌یابی درس پرورش، راهنمایی و متوسطه	۷	—	—	۷
۹	آیین‌نامه برنامه‌های درسی	۶	—	—	۶
۱۰	آیین‌نامه اجرایی مدارس	۲۹	—	—	۲۹
	- شرایط ثبت‌نام و ادامه تحصیل	۸	—	—	۸
	- شرایط بهداشتی و ایمنی مدارس	۴	—	۱	۳
	- پوشش و لباس دانش‌آموزان	۱۷	۱	۱	۱۵
	- مقررات انضباطی	۷	—	—	۷
	- امور مالی	۱۶	—	—	۱۶
	- سایر موارد	۱۴۰	۴	۴	۱۳۲
	جمع کل				

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد از ده آیین‌نامه ۴ مورد از آن‌ها دارای جهت‌گیری جنسیتی بوده است. که در مجموع ۸ ماده است (۴ مورد مربوط به دختران و ۴ مورد مربوط به پسران) که این موارد نزدیک به ۵ درصد مجموع ذکر شده در ده آیین‌نامه را شامل می‌شوند.

موارد چهارگانه مربوط به دختران شامل: ۱- تبصره ماده ۵ آیین‌نامه ارایه نحوه خدمات فوق برنامه درسی در مدارس، که استفاده از نیروی انسانی زن را در مدارس دخترانه در فعالیت‌های فوق برنامه یادآوری کرده است. ۲- توجه به شرایط خاص فیزیکی دختران در آیین‌نامه ارزشیابی درس تربیت‌بدنی (ماده ۶) در انجام آزمون کشش بارفیکس. ۳- آیین‌نامه اجرایی پوشش و لباس دانش‌آموزان ماده ۶۷ که پوشش دانش‌آموزان دختر را: ۱- چادر ۲- مانتو، شلوار و مقنعه ذکر است که تبصره ۱ آن با ذکر اینکه چادر بهترین حجاب و مناسب‌ترین پوشش است مدیران مدارس را به تشویق و توصیه دانش‌آموزان، ضمن رعایت عدم اجبار، به استفاده از آن کرده است. تبصره ۲ این ماده نیز به رنگ مانتو، شلوار و مقنعه دانش‌آموزان دختر با توجه به شرایط سنی و جغرافیایی اشاره کرده است.

موارد چهارگانه مربوط به پسران نیز در آیین‌نامه‌ها، مربوط به استفاده از نیروی انسانی مرد برای ارایه فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس پسران (ماده) شرایط ثبت‌نام و مشمولیت نظام وظیفه (مواد ۳۸ و ۳۹) و آیین‌نامه اجرایی مقررات انضباطی (مورد ۸ از ماده ۶۸ این آیین‌نامه) و در مورد رعایت پوشش ظاهری متناسب با شأن بوده است.

شاخص‌های مدون آموزش و پرورش نیز با رویکرد جنسیتی مورد بررسی قرار گرفت. منظور از شاخص‌ها، شاخص‌های دسترسی به آموزش و پرورش به وسیله افراد واجد شرایط در هر یک از دوره‌های تحصیلی است. این شاخص‌ها به ویژه در پیش‌بینی تعداد دانش‌آموزان هر سال و سال آینده

دوره‌های تحصیلی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در محور شاخص‌ها، دسترسی به آموزش، تعیین درصد اشتغال به تحصیل ظاهری، تعیین درصد اشتغال به تحصیل واقعی و... مورد توجه است. این محورها رهنمودهایی برای جمع‌آوری اطلاعات محسوب می‌شوند. در این باره همه شش شاخص مصوب شورای عالی آموزش و پرورش تحت عنوان شاخص‌های اشتغال به تحصیل، شاخص‌های کارآیی درونی نظام آموزش و پرورش، شاخص‌های مالی آموزش و پرورش، شاخص‌های سوادآموزی و شاخص‌های فضاهای آموزش و پرورش بررسی شد. داده‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: شاخص‌های آموزشی، فضا و مالی مورد بررسی به تفکیک نوع شاخص

با رویکرد جنسیتی

شماره	عنوان	تعداد مواد هر آیین‌نامه	دارای جهت‌گیری جنسیتی		به صورت عام
			دختر	پسر	
۱	شاخص دسترسی به آموزش و پرورش	۴	—	—	۴
۲	شاخص اشتغال به تحصیل (پوشش تحصیلی)	۳	۱	۱	۱
۳	شاخص‌های مالی	۴	—	—	۴
۴	شاخص‌های فضاهای آموزشی	۳۰	۱	—	۲۹
۵	شاخص‌های سوادآموزی	۷	—	—	۷
	- وضعیت سواد	۳	—	—	۳
	- کارایی داخلی	۶	—	—	۶
	- بهره‌وری	۲	۱	۱	—
۶	شاخص‌های کارایی درونی	۲	۱	۱	—
	کل	۵۹	۳	۲	۵۴

براساس اطلاعات جدول شماره ۲ از مجموع ۵۹ مورد مطرح شده در شاخص‌های شش‌گانه سه مورد در خصوص دختران و ۲ مورد درباره پسران بوده است. موارد سه‌گانه دختران شامل: ۱- شاخص اشتغال به تحصیل (پوشش تحصیلی) در ماده ۳ تفکیک درصدهای اشتغال به تحصیل برای گروه‌های جنسی (دختر و پسر) تأکید شده است. ۲- در شاخص‌های مربوط به فضای آموزشی در بند ج ماده ۳۰ سرانه فضای سرپوشیده ورزشی ویژه دختران

به تعداد کل دانش آموزان دختر به دست می‌آید ۳- در شاخص کارایی درونی نیز توجه به هر دو گروه جنسی (دختر و پسر) به تفکیک اشاره شده است. براساس این ماده شاخص کارایی درونی براساس الگوی جریان دانش‌آموزی به تفکیک دوره‌های تحصیلی و جنس و شاخص‌های کارایی براساس نتایج امتحانات و آمار دانش‌آموزان به تفکیک پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی و جنس و شهر و روستا تهیه می‌شوند.

دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها، مصوبات ادارات کل آموزش و پرورش وزارت آموزش و پرورش را شامل می‌شود. در این خصوص شش گروه از دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط به واحدهای ابتدایی و راهنمایی شامل واحدهای طرح و برنامه ابتدایی، گروه آموزشی ابتدایی، گروه ارزشیابی ابتدایی، گروه طرح و برنامه راهنمایی، گروه آموزشی راهنمایی و گروه ارزشیابی راهنمایی با رویکرد جنسیتی بررسی شد.

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، از مجموع ۴۳ دستورالعمل و بخشنامه (۱۸۰ ماده یا بند) هیچ یک از آن‌ها دارای ملاحظات جنسیتی و برابری جنسیتی، یا تفکیک مربوط به دختران و پسران نبوده است.

بررسی خط مشی‌های اساسی وزارت آموزش و پرورش در توزیع بودجه سال ۱۳۸۰ با رویکرد جنسیتی نیز نشان داد که از مجموع هفده خط مشی اساسی وزارت آموزش و پرورش در توزیع بودجه سال ۱۳۸۰ در دو مورد آن به طور صریح به دختران (یک مورد دختر و پسر و یک مورد دختران) اشاره شده است، که عبارتند از:

الف) اهتمام همه جانبه به اعتلا و گسترش ورزش مدارس و تلاش در جهت کیفیت بخشی ساعات و فضاهای ورزشی دانش‌آموزان دختر و پسر

ب) افزایش پوشش تحصیلی دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه به ویژه برای دختران در مناطق روستایی و عشایری

بررسی سیاست‌های اجرایی بودجه آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۰ نیز نشان می‌دهد که علیرغم وجود دو خط مشی در توزیع بودجه سال ۱۳۸۰، به سیاست اجرایی که به طور مشخص و مستقیم معطوف به آموزش دختران باشد، اشاره نشده است.

در ضوابط محاسبه هزینه‌های پرسنلی و ضوابط محاسبات هزینه‌های سایر فصول نیز مواردی که مربوط به دختران یا برابری جنسیتی باشد، وجود ندارد و یا حتی در سایر بخش‌های این دستورالعمل مواردی که به صورت اجرایی دو خط مشی مربوط به کیفیت بخشی به ساعات و فضاها و ورزشی دانش‌آموزان دختر و افزایش پوشش تحصیلی دختران به ویژه در مناطق روستایی و عشایری را دنبال کند، مشاهده نگردید.

بررسی اولویت‌ها و طرح‌های مصوب پژوهشی در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ نیز نشان می‌دهد، از میان ۹۸۸ اولویت پژوهشی، مصوب در شورای تحقیقات استان‌ها، معاونت‌ها، سازمان‌های آموزش و پرورش، و گروه‌های پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۸۱ تنها ۵۴ طرح و به عبارت دیگر ۵/۵ درصد از اولویت‌های پژوهشی دارای رویکرد جنسیتی بوده است.

استان فارس با ۸/۶ درصد و استان ایلام، کرمانشاه، آذربایجان شرقی با رقم صفر بیشتر و کمترین اولویت‌ها را با رویکرد جنسیتی داشته‌اند. در واقع استان‌های ایلام، کرمانشاه و آذربایجان شرقی از مجموع ۷۷ طرح و اولویت‌های پژوهشی خود، هیچ یک به مشکلات و مسائل دختران و زنان فرهنگی نپرداخته‌اند.

مطالعه فهرست اولویت‌های پژوهشی معاونت‌ها و سازمان‌های آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۱ نشان داد، تنها در معاونت آموزش عمومی از میان ۴۲ اولویت ۳ اولویت دارای رویکرد جنسیتی بوده است (۷/۱ درصد) و در سایر

معاونت و سازمان‌ها از قبیل معاونت نیروی انسانی، مالی و اداری و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی اولویتی با رویکرد جنسیتی مشاهده نشد. بررسی طرح‌های پژوهشی مصوب توسط شورای تحقیقات استان‌ها و پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۷۹ نیز نشان می‌دهد که از میان ۵۸۰ طرح مصوب در این سال ۵۷ طرح و یا به عبارت بهتر حدود ۱۰ درصد از طرح‌های مصوب دارای ملاحظات جنسیتی هستند وضعیت طرح‌های مصوب با رویکرد جنسیتی، وضعیت بهتری را از اولویت‌های پژوهشی نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های بررسی حاضر نشان می‌دهد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحتاً به مسأله برابری و تأمین حقوق همه جانبه زنان و مردان با رعایت موازین اسلامی، اشاره شده و مشارکت همه مردم اعم از زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آرایه آموزش رایگان برای هر دو جنس و فراهم آوردن شرایط احراز مشاغل برای همه گروه‌ها مورد تأکید قرار گرفته و حتی موارد خاصی در اصل بیستم و بیست و یکم در خصوص حقوق زنان مطرح شده است. بدین ترتیب نظر به اینکه در قانون اساسی مسأله برابری، یکی از هدف‌های نظام تلقی شده است، به نظر می‌رسد، نابرابری‌های موجود در تمامی عرصه‌های آموزشی، از جمله آموزش و پرورش دختران می‌تواند ناشی از عدم توجه به قانون اساسی و یا عملیاتی نشدن این قوانین در سطح برنامه‌های خرد و کلان نظام آموزشی باشد.

در برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور، توجه به مسایل و نیازهای زنان تنها در یک ماده مورد نظر قرار گرفته است، این ماده در خصوص نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی و افزایش فرصت‌ها و اشتغال و ارتقای شغلی زنان الزاماتی را برای دولت مشخص کرده است. اگرچه طرح همین یک ماده نیز توانسته است فرصت‌هایی در جهت کاهش فاصله‌های جنسیتی، فراهم

آورد اما به نظر می‌رسد رویکرد دستیابی به برابری و جبران محرومیت‌های زنان در بخش آموزش در برنامه سوم توسعه جریان نداشته است. محول کردن امور زنان ذیل یک ماده و تبصره‌های مربوط به آن تنها به یک مرکز، با برنامه‌های توسعه‌ای حساس به جنسیت در تعارض قرار می‌گیرد. در این برنامه‌ها توجه به رویکرد جنسیتی در جهت پر کردن شکاف‌ها و فاصله‌های موجود باید به صورت فرایندی در کل برنامه‌ها مورد نظر قرار گیرد. به عبارت دیگر توجه به برابری جنسیتی باید به عنوان راهبردی کلی و موضوعی اساسی در همه بخش‌های سیاست‌گذاری‌ها و در جریان برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور به صورت کوتاه و درازمدت، مدنظر قرار گیرد.

در حوزه‌ی هدف‌های کلی آموزش و پرورش تفاوت چندانی در ابعاد هشت‌گانه اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و... در خصوص دختران و پسران مشاهده نمی‌شود. این موضوع از چند منظر قابل بررسی است. نخست آنکه، به نظر می‌رسد فقدان جهت‌گیری جنسیتی در بیان اهداف امر مطلوبی است زیرا در حوزه هدف‌های کلی تعلیم و تربیت عمده‌تاً مقاصد کلی تعلیم و تربیت مطرح می‌شوند و تصور بر آن است که همه‌ی گروه‌های جنسیتی به طور عام باید به این مقاصد نایل شوند. اما از جنبه‌ی دیگر اگر به مقاصدی چون برابری فرصت‌ها، رفع تبعیض و جبران محرومیت‌ها به عنوان اهداف کلی توجه شود، تدوین اهداف عینی و تفضیلی‌تر، تحت تأثیر اهداف کلی قرار می‌گیرد. لذا با این تعبیر، گنجانیدن اهدافی چون برابری فرصت‌های آموزشی برای دختران و پسران در اهداف کلی آموزش و پرورش ضروری می‌نماید.

بررسی اهداف دوره ابتدایی و راهنمایی نشان می‌دهد، که در این اهداف نه تنها به رفع فاصله‌های جنسیتی توجه نشده است. بلکه در مواردی که به کلمه جنسیت دختران و پسران اشاره شده، سوگیری‌های خاصی مشاهده می‌شود. مثلاً بیان اهدافی چون: تربیت «دختری عفیف» و «پسری شجاع» حاکی از

انگاره‌ها و کلیشه‌های جنسیتی است که برخی از صفات را به یک گروه جنسی منتسب می‌کند. به نظر می‌رسد وجود این کلیشه‌ها در اهداف آموزش و پرورش می‌تواند تقویت‌کننده فاصله‌های جنسیتی در آموزش باشد.

در آیین‌نامه‌ها، نیز موارد اندکی دارای رویکرد جنسیتی بوده‌اند که در این موارد نیز تنها از «جنس» یاد شده است. به عنوان مثال آمده است که فعالیت‌های فوق برنامه دختران به وسیله نیروی انسانی زن و پسران به وسیله نیروی انسانی مرد انجام گیرد. در حالی که با اتخاذ رویکرد جنسیتی در برخی موارد می‌توان ضمن شناسایی فاصله‌ها، اولویت‌هایی برای رفع فاصله‌های جنسیتی در نظر گرفت.

در آیین‌نامه پوشش دانش‌آموزان، حساسیت زیادی پیرامون پوشش دختران مشاهده می‌شود. این آیین‌نامه دقیقاً به مسأله پوشش دختران و تعیین مصداق‌های ظاهری و عملی آن مانند چگونگی رنگ، نوع لباس و پوشش دختران پرداخته است. در آیین‌نامه فوق چند مسأله قابل تأمل است که به نظر می‌رسد مورد توجه تدوین‌کنندگان قرار نگرفته است: نخست آنکه در پوشش دختران در مدرسه با توجه به اینکه آیین‌نامه‌های اجرایی آموزش و پرورش در داخل مدارس دارای کارکرد و اعتبار هستند، مشخص نیست در توصیه به چادر به عنوان حجاب برتر منظور پوشش داخل مدرسه یا خارج از مدرسه مورد نظر قرار گرفته است. دوم آنکه استفاده از عبارتی چون «مناسب» در مورد پوشش دختران و همچنین «مناسب با شأن» در مورد پوشش پسران، و عدم ارایه مصداق‌ها، ممکن است سلیقه‌ها و محدودیت‌های خاص را برای پوشش دختران و پسران در مدرسه از ناحیه مجریان به دانش‌آموزان تحمیل نماید.

در بخش شاخص‌های آموزش و پرورش نیز اغلب موارد و محورها به طور مشترک بین دو جنس مطرح شده است و در تدوین شاخص‌ها، شناسایی فاصله‌های جنسیتی کمتر مورد نظر قرار گرفته است. اگرچه در برخی

شاخص‌ها، تفکیک جنسیتی مشاهده می‌شود، اما به دلیل محدود بودن این شاخص‌ها در مجموعه شاخص‌های آموزش و پرورش، به نظر می‌رسد روند فعلی نظام آموزشی ایران در شناسایی فاصله‌ها و محرومیت‌ها نمی‌تواند به خوبی موفق شده، و بدین وسیله راه برای دستیابی به فرصت‌های برابر طولانی و سخت‌تر خواهد شد. بررسی همچنین نشان داد، در هیچ یک از دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های در دوره آموزش عمومی (ابتدایی و راهنمایی) توجه به نیازها و اولویت‌ها در رفع محرومیت‌های معطوف به جنسیت مدنظر قرار نگرفته است. به دلیل اهمیت دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها در مراحل اجرایی برنامه‌ها، موضوع فوق حاکی از توجه ناکافی به ملاحظات جنسیتی و جریان نداشتن آموزش و پرورش حساس به جنسیت در مجموع نظام آموزشی است.

یافته‌ها همچنین نشان داده است، میان سیاست‌های کلان دولت در آموزش دختران، مفاد برنامه‌های توسعه کشور در مورد مشارکت زنان، خط‌مشی‌های اساسی و سیاست‌های اجرایی بودجه و ضوابط محاسبه هزینه‌های پرسنلی و غیر پرسنلی در آموزش و پرورش ارتباط منطقی وجود ندارد. این موضوع حاکی از آن است که مسأله برابری جنسیتی در فرصت‌های آموزشی هنوز در جریان اصلی برنامه‌ریزی آموزشی قرار نگرفته است. این موضوع مؤید حساس نبودن نظام آموزشی به مسایل معطوف به جنسیت و برابری است.

از سوی دیگر بررسی اولویت‌ها و طرح‌های پژوهشی در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش نشان داد مطالعات و پژوهش‌های معطوف به جنسیت و برابری فرصت‌های آموزشی و محرومیت‌زدایی از دختران در آموزش و پرورش جریان ندارد. مسلماً عدم وجود پژوهش‌های کافی برای شناسایی نیازها، مسایل و مشکلات معطوف به جنسیت، هرگونه تصمیم‌گیری مربوط به

تغییر وضعیت دختران و زنان را در آموزش و پرورش با مشکلات و مسایل عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

کار پایه عمل اعلامیه پکن ۱۹۹۵ (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵) به منظور تحقق هدف استراتژیک ایجاد آموزش و پرورش فارغ از تبعیض، یکی از وظایف مهم دولت‌ها را حمایت و تمهید پژوهش و مطالعات مربوط به جنسیت در همه سطوح آموزش در نظر گرفته است.

به طور کلی، بررسی حاضر نشان می‌دهد که در مجموع قوانین خرد و کلان آموزشی دوره آموزش عمومی به ملاحظات جنسیتی توجه کمتری شده و نظام برنامه‌ریزی آموزشی ایران کمتر دارای ویژگی‌های یک نظام آموزشی حساس به جنسیت است.

توجه کمتر به موضوع برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان، محرومیت‌زدایی جنسیتی، شاخص‌های جنسیتی، نیازسنجی معطوف به جنسیت، توزیع عادلانه امکانات فرصت‌ها و منابع در اهداف، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و مصوبات آموزش و پرورش مؤید عدم حساسیت نظام آموزشی به جنسیت بوده و به نظر می‌رسد برنامه‌های مقطعی رفع محرومیت نیز به دلیل عدم تسری در جریان برنامه آموزشی نتوانسته است گام مؤثری در رفع فاصله‌های جنسیتی محسوب شود. به نظر می‌رسد به منظور تحقق آموزش و پرورش حساس به جنسیت که تضمینی جهت دستیابی به فرصت‌های برابر آموزشی و رفع فاصله‌های جنسیتی به شمار می‌رود، لازم است آموزش و پرورش ویژگی‌ها و شاخص‌های نظام‌های حساس به جنسیت را بیش از گذشته مدنظر قرار داده و نسبت به حساس‌سازی مراحل مختلف برنامه‌ریزی خود نسبت به جنسیت اهتمام بیشتری نماید. در پایان چند پیشنهاد جهت تحقق برنامه‌ریزی آموزشی حساس به جنسیت با توجه به نتایج پژوهش حاضر ارائه می‌گردد:

- نیازسنجی آموزش دختران بر مبنای الزامات و مقتضیات فرایند توسعه و اعمال آن در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.
- تدوین برنامه استراتژیک حساس به جنسیت در آموزش و پرورش
- ایجاد نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی حساس به جنسیت
- تمهید و توسعه پژوهش‌های مربوط به جنسیت از طریق افزایش اولویت‌های پژوهشی و تقویت و ایجاد مراکز پژوهش مرتبط
- بازنگری قوانین، مقررات، رویه‌ها و منابع مکتوب آموزش و محو کلیشه‌ها و سوگیری‌های جنسیتی از آن‌ها
- درج اهداف معطوف به برابری جنسیتی و رفع محرومیت‌ها در اهداف کلی و اختصاصی آموزش و پرورش
- توجه بیشتر به برنامه‌های محرومیت‌زدایی جنسیتی در اولویت‌های برنامه‌ای وزارت آموزش و پرورش
- افزایش سطح دانش و تعهد نسبت به برنامه‌های حساس به جنسیت و معطوف به رفع نابرابری‌های آموزشی در مدیران، کارشناسان و برنامه‌ریزان آموزشی از طریق آرایه آموزش‌های موردنیاز
- حذف مقررات و رویه‌های زاید در مورد دختران در مدرسه از قبیل سخت‌گیری‌های سلیقه‌ای نسبت به پوشش ظاهری دختران در فضای مدرسه
- تدوین مکانیزم‌های خودکار شناسایی فاصله‌های جنسیتی آموزش در سطح خرد و کلان
- گسترش برنامه‌های منطقه‌ای جهت رفع محرومیت‌های گروه‌های خاص دختران به ویژه دختران روستایی

فهرست منابع

الف) فارسی

استیگلنیتز، ژوزف (۱۳۸۰، ۸ آبان). دموکراسی و توسعه اقتصادی. ترجمه علی فرحبخش. روزنامه نوروز.

پژوهش در آموزش و پرورش، گزارش عملکرد سال ۱۳۷۹ (۱۳۸۰). تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت

تورس، اماری لیس و روزاریو، روزاریو دل (۱۳۷۵). جنسیت و توسعه. ترجمه جواد یوسفیان، تهران: انتشارات بانو.

حج فروش، مرتضی (۱۳۷۴). بررسی علل و عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده از تحصیل دختران. تهران: معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش و صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف).

چارچوب عمل داکار: آموزش برای همه (۲۰۰۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر همکاری های علمی و بین‌المللی

دیویس، ر. جی (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی آموزشی: الگوها و روش‌ها. ترجمه بهرام محسن پور. در دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش. جلد دوم. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

سها، ال. جی و فیجرلیند، ای (۱۳۸۰). آموزش و توسعه، ترجمه پریدخت وحیدی. در دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش جلد اول. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات کویر.

شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان در ایران. تهران: نشر قطره

صافی، احمد (۱۳۷۹). سازمان و قوانین وزارت آموزش و پرورش ایران. تهران:

انتشارات سمت

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۵). جایگاه زنان و دختران در جامعه (استان کردستان). تهران: دفتر صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف).

طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۷). تهران: ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش.

عظیمی، حسین (۱۳۷۸). ایران امروز در آینه مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

کار پایه و اعلامیه پکن سند چهارمین کنفرانس جهانی زن ۱۹۹۵ (۱۳۷۵). ترجمه علی آرین و علی میرسعید قاضی تهران: دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.

گزارش دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۱). تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر امور زنان.

مجموع خط مشی‌های اساسی و سیاست‌های اجرایی بودجه سال ۱۳۸۰ وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۰). تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت مالی و اداری.

مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۰). تهران: انتشارات مدرسه.

معروفی، پروین (۱۳۷۳). زنان، مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار. جلد دوم. تهران: برگ زیتون.

مهران، گلنار (۱۳۷۵). بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزشی ابتدایی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه در ایران. فصلنامه تعلیم

و تربیت، شماره ۴۶

هلیک، ژاک (۱۳۷۱). سرمایه‌گذاری برای آینده آموزش و پرورش. ترجمه عبدالحسین نفیسی. تهران: انتشارات مدرسه.

ب) انگلیسی

- Italian Ministry of Equal Opportunities (2002). *Education and Training of Women*. WWW. Palazzochig. gi
- The Unesco Recommendation Against Discrimination in Education; the Status in Candada* (1997). Unesco.
- Walpole, Sue, (1995). *Gender, Equity in Education: A View from Outside the Classroom, the Gender Equity Task Force of the Ministerial Council on Education, Employment, Training and Youth Affairs Act*. Department of Education and Training Publication Communication. Conberra.

